



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۳۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای حمید تقی زاده سی سخت

آنچه می‌تواند موجب شبهه در احکام شرعی باشد نسخ احکام شرعی است که در جای خود بیان شده که این مسئله تنها در زمان رسول اکرم می‌توانسته به وقوع بپیوندد. بنابراین چگونگی بوجود آمدن شبهه‌های حکمی را نباید از ناحیه نسخ در احکام شرعی جستجو نمود. از این جهت است که باید خصوصیات دخیل در احکام شرعی را بررسی نمود که در این جهت تفکیک صحیح حیثیات تعلیلی از تقییدی کاملاً ضروری است.

در درس پیش‌رو شهید صدر(ره) با کمک گرفتن از مثال اعراض خارجی در صدد حل مشکل تطبیق رکن سوم استصحاب بر شبهه‌های حکمی است.

متن درس:

ولأجل حلّ المشكلة المذكورة نقدم مثلاً من الاعراض الخارجية فنقول: ان الحرارة لها معروض و هو الجسم و علة و هي النار أو الشمس، و الحرارة تتعدد بتعدد الجسم المعروض لها فحرارة الخشب غير حرارة الماء، و لا تتعدد بتعدد الأسباب و الحثيات التعليلية، فإذا كانت حرارة الماء مستندة إلى النار حدوثاً و إلى الشمس بقاء لا تعتبر حرارتين متغايرتين، بل هي حرارة واحدة لها حدوث و بقاء. و نفس الشيء نقوله عن الحكم كالنجاسة مثلاً فان لها معروض و هو الجسم و علة و هي التغير بالنسبة إلى نجاسة الماء مثلاً، و الضابط في تعددها تعدد معروضها لا تعدد الحثيات التعليلية. فالخصوصية الزائلة التي سبب زوالها الشك في بقاء الحكم ان كانت على فرض دخالتها بمثابة العلة و الشرط، فلا يضر زوالها بوحدة الحكم و لا تستوجب دخالتها كحيثية تعليلية مباينة الحكم بقاءً للحكم حدوثاً كما هو الحال في الحرارة أيضاً. و اما إذا كانت الخصوصية الزائلة مقومة لمعروض الحكم كخصوصية البولية الزائلة عند تحول البول بخاراً، فهي توجب التغير بين الحكم المذكور و الحكم الثابت بعد زوالها. و عليه فكما كانت الخصوصية غير المحفوظة من الموضوع أو من القضية المتيقنة حيثية تعليلية فلا ينافي ذلك وحدة الحكم حدوثاً و بقاءً، و معه يجري الاستصحاب .. و كلما كانت الخصوصية مقومة للمعروض كان انتفاؤها موجباً لتعذر جريان الاستصحاب، لأن المشكوك حينئذ مباين للمتيقن. [و من هنا يبرز السؤال التالي : كيف نستطيع ان نميز بين الحيثية التعليلية و الحيثية التقييدية المقومة لمعروض الحكم؟]

حل مشکل تطبیق رکن سوم

در مباحث پیشین بیان شد که در تطبیق رکن سوم بر استصحاب جاری در شبهات حکمی، چه به بیان شیخ انصاری (ره) و چه به نظر محقق خراسانی (ره)، مشکل وجود دارد. در این مبحث به دنبال راه حلی برای مرتفع نمودن این مشکل هستیم. شهید صدر (ره) جهت حل اشکال، مثالی از اعراض خارجی را مطرح می‌کند. اعراض خارجی برای وجود یافتن به موضوع و علت نیاز دارند. برای مثال حرارت، جسم را می‌طلبد و برای عارض شدن بر جسم علتی مانند خورشید یا آتش می‌خواهد. نکته مهم این است که حرارت بواسطه موضوع خود متعدد می‌شود، اما به واسطه علت خود متعدد نمی‌شود. دلیل این قضیه چیست؟ وقتی که حرارت عارض بر چوب یا آهن شود یا عارض بر آب شود، موضوع متعدد شده است. اما اگر حرارت با آتش شروع و با خورشید ادامه پیدا کند تعدد حرارت بوجود نیامده است بلکه تنها حدوث حرارت با آتش بوده و بقاء و ادامه آن با خورشید بوده است؛ یعنی حدوث حرارت در آب با آتش بوده و بقای حرارت با خورشید است و بنابراین با دو حرارت متغیر روپو نیستیم.

در تطبیق مثال مذکور با حکم شرعی که به عنوان عرض اعتباری است، می‌گوییم که نجاست، حکم شرعی است و به موضوع و علت نیاز دارد. موضوع آن جسم است و شرطی که منجر به نجاست شیء می‌شود، علت یا شرطی است که به مثابه علت می‌باشد.

برای مثال، آب برای نجس شدن تغییر را لازم دارد. تعدد اجسامی که معروض نجاست می‌شوند، موجب تعدد نجاستند: مثل نجاست آب، چوب و آهن، اما اگر شرط نجاست از بین رفت و شرط دیگری جایگزین شد، نجاست متعدد نمی‌شود. برای مطلق آب با تغییر نجس شد و بعد از زوال تغییر باز هم نجس بود این نجاست چیزی غیر از نجاست ابتدایی نیست. پس معیار تعدد نجاست تعدد موضوع است نه تعدد شرط و علت نجاست.

تذکر چند نکته

دانستیم که احتمال نسخ حکم شرعی وجود ندارد. بنابراین شبهه حکمی وقتی بوجود می‌آید که خصوصیتی که احتمال می‌دهیم دخیل در حکم شرعی است تغییر کند. این خصوصیت یا از شروط حکم شرعی و یا از قیود موضوع است. در صورتی که این خصوصیت از شروط باشد، از بین رفتن آن، ضربه ای به وحدت حکم شرعی نمی‌زند. به این گونه از خصوصیات، «حیثیات تعلیلی» می‌گویند، که به مثابه علت حکم و درحقیقت شروط حکم هستند.

اما گاهی این خصوصیت قید موضوع یا مقوم موضوع است و با از بین رفتن این خصوصیت موضوع جدیدی بوجود می‌آید که موجب تعدد حکم شرعی می‌شود که به آن «حیثیات تقییدیه» می‌گویند. برای مثال، اگر تغییر قید آب باشد نه شرط نجاست، با از بین رفتن تغییر، اگر آب همچنان نجس باشد این نجاست چیز دیگری است. حیثیات تقییدیه در مقابل حیثیات تعلیه است، حیثیات تقییدیه مقومات موضوع است؛ به تعبیر دیگر یک چیز می‌تواند شرط حکم یا قید حکم باشد.

متن عربی و نکات تطبیقی

و لأجل حلّ المشكلة المذكورة نقدم مثلاً من الاعراض الخارجية فنقول : ان الحرارة لها معروض و (۱) هو الجسم و علة و هي النار أو الشمس، و الحرارة تتعدد بتعدد الجسم المعروض لها (۲) فحرارة الخشب غير حرارة الماء، و لا تتعدد بتعدد الأسباب و

الحيثيات التعليلية، فإذا كانت حرارة الماء مستندة إلى النار حدوثاً و إلى الشمس بقاء لا تعتبر حرارتين متغايرتين، بل هي حرارة واحدة لها حدوث و بقاء. و نفس الشيء نقوله عن الحكم كالنجاسة مثلاً فان لها معروض و هو الجسم و علة و هي التغير بالنسبة إلى نجاسة الماء مثلاً، و الضابط في تعددها تعدد معروضها لا تعدد الحيثيات التعليلية . فالخصوصية الزائلة التي سبب زوالها الشك في بقاء الحكم ان كانت على فرض دخالتها بمثابة العلة و الشرط، فلا يضر زوالها بوحدة الحكم و لا تستوجب دخالتها كحيثية تعليلية (۳) مباينة (۴) الحكم بقاءً للحكم حدوثاً كما هو الحال في الحرارة أيضاً . و اما إذا كانت الخصوصية الزائلة مقومة (۵) لمعروض الحكم عند تحول البول بخاراً (۶)، فهي توجب التغير بين الحكم المذكور و الحكم الثابت بعد زوالها

۱. و او تفسيريته

۲. مرجع ضمير: حرارت

۳. تفسير دخالتها

۴. مفعول لاتستوجب

۵. خبر كان

۶. مفعول تحول

Sc01:19:50

حکم شرعی به تعدد خصوصیات متعدد نمی شود

از مطالب پیشین چنین بدست می آید که حکم شرعی به صرف تعدد خصوصیات دخیل در آن متعدد نمی شود، بلکه باید دانست که این خصوصیت از حیثیات تعلیلی است یا جزء حیثیات تقيیدی محسوب می گردد. در نتیجه هرگاه خصوصیتی که از بین می رود، شرط حکم باشد امکان استصحاب وجود دارد.

این مطلب را می توانیم به هر دو تصویر از رکن سوم، تطبیق دهیم:

طبق نظر محقق خراسانی (ره)، حکم قضیه متیقن با حکم قضیه مشکوک یکی است و وحدت دو قضیه برقرار است. به این بیان که خصوصیت قضیه متیقن، در قضیه مشکوک از بین رفت، اما این زوال خصوصیت تغییری در حکم به وجود نمی آورد.

بر اساس دیدگاه شیخ انصاری (ره) نیز با از بین رفتن خصوصیت، موضوع حکم شرعی، تغییر نکرده است؛ زیرا این خصوصیت، مقوم نیست و فقط شرط حکم است و تغییری در موضوع بوجود نمی آورد.

متن عربی و نکات تطبیقی

و عليه فكلما كانت الخصوصية غير المحفوظة من الموضوع (۱) أو من القضية المتيقنة (۲) حيثية تعليلية فلا ينافي ذلك وحدة الحكم حدوثاً و بقاء، و معه يجري الاستصحاب .. و كلما كانت الخصوصية مقومة للمعروض كان انتفاؤها موجباً لتعذر جریان الاستصحاب، لأن المشكوك حينئذ مبين للمتيقن.

۱. اشاره به دیدگاه شیخ انصاری (ره) دارد.

چکیده:

۱. شهید صدر (ره) جهت حل اشکال تطبیق رکن سوم ، مثالی از اعراض خارجی را که برای وجود یافتن به موضوع و علت نیاز دارند، مطرح می‌کند.
۲. در تطبیق مثال مذکور با حکم شرعی که به عنوان عرض اعتباری است، می‌گوییم که نجاست، حکم شرعی است و به موضوع و علت نیاز دارد.
۳. تعدد اجسامی که معروض نجاست می‌شوند، موجب تعدد نجاستند: مثل نجاست آب، چوب و آهن ، اما اگر شرط نجاست از بین رفت و شرط دیگری جایگزین شد، نجاست متعدد نمی‌شود.
۴. شبهه حکمیه وقتی بوجود می‌آید که خصوصیتی که احتمال می‌دهیم دخیل در حکم شرعی است تغییر کند . که این خصوصیت یا از شروط حکم شرعی یا از قیود موضوع است. در صورتی که این خصوصیت از شروط باشد، از بین رفتن آن، ضربه‌ای به وحدت حکم شرعی نمی‌زند. به این گونه از خصوصیات، «حیثیات تعلیلی» می‌گویند.
۶. گاهی خصوصیت قید موضوع یا مقوّم موضوع است و با از بین رفتن این خصوصیت موضوع جدیدی بوجود می‌آید که موجب تعدد حکم شرعی می‌شود که به آن «حیثیات تقییدیه» می‌گویند.
۷. هرگاه خصوصیتی که از بین می‌رود، شرط حکم باشد امکان استصحاب وجود دارد.